

مدل پیش‌بینی تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی با میانجی‌گری خود انتقادی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۵/۰۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۰۱

شایان متین^۱
فائزه جهان^{۲*}

چکیده

مقدمه: یکی از متغیرهای نامطلوب روانشناختی که اثرات منفی بر فرد دارد، تنهایی اجتماعی است. هدف این پژوهش پیش‌بینی تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی با میانجی‌گری خود انتقادی بود.

روش: طرح پژوهش همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد تهران در سال ۱۳۹۷ بودند. تعداد نمونه این پژوهش ۶۳۲ نفر بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های تنهایی (راسل، ۱۹۹۶)، پرسشنامه حساسیت بین فردی (بویس و پاپکر، ۱۹۸۹)، پرسشنامه هوش اجتماعی (ت، ۲۰۰۸) و پرسشنامه مقیاس خود انتقادی (گیلبرت، همپل، مایلز و آرونز، ۲۰۰۴) بود. روش تحلیل داده‌ها مدل‌یابی معادلات ساختاری بود.

یافته‌ها: نتایج نشان داد متغیرهای نشانگر دو متغیر خود انتقادی و حساسیت بین فردی به‌طور معناداری بر این دو سازه مکنون بار شده‌اند ($T > 1.96$). اثر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی مثبت و معنادار، اثر حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی منفی و معنادار است. همچنین اثر حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی مثبت و معنادار و اثر هوش اجتماعی بر خود انتقادی منفی و معنادار است ($T > 1.96$). اثر ساختار غیر مستقیم حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی به واسطه متغیر خود انتقادی مثبت و معنادار است، اما اثر ساختار غیر مستقیم هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی به واسطه متغیر خود انتقادی و معنادار نیست. همچنین اثرات ساختاری کل حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی، مثبت و معنادار و اثرات ساختاری کل هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی نیز منفی و معنادار است ($T > 1.96$).

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به‌دست آمده در این پژوهش، می‌توان از بازتوانی (رشد و افزایش مجدد) و حمایت از هوش اجتماعی از طریق آموزش‌های فردی، گروهی، کارگاهی و نیز با کاستن از حساسیت‌های بین فردی و متغیر خود انتقادی، برای کاهش تنهایی اجتماعی بهره برد.

کلمات کلیدی: تنهایی اجتماعی، حساسیت بین فردی، هوش اجتماعی، خود انتقادی.

۱. کارشناسی ارشد، روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

* نویسنده مسئول: Faeze.jahan@gmail.com

The modeling of Social loneliness based on interpersonal sensitivity and social intelligence with self-critical mediation

matin shayan¹
jahan faezeh^{2*}

Abstract

One of the adverse psychological variables that negatively affect a person is a social loneliness. The purpose of this study was to predict social loneliness based on interpersonal sensitivity and social intelligence through self-critical mediation. The research design was a correlation. The statistical population of this study was all of the students of the Azad University of Tehran in 1397. The sample size of this study was 632 people who were selected by multistage cluster sampling. The Data collection tools were a loneliness questionnaire (Russell, 1996), an interpersonal sensitivity questionnaire (Boyce & Popper, 1989), Social Intelligence Questionnaire (Tet, 2008) and Self-Critical Scale (Gilbert, Hampson, Miles & Irons, 2004). The data analysis method was structural equation modeling. The findings showed that the variables of self-critical and interpersonal sensitivity were significantly increased on these two constructs ($T > 1.96$). Self-critical effect on positive and significant social self-sufficiency, the effect of interpersonal sensitivity and social intelligence on social self-sufficiency is negative and significant. Also, the effect of interpersonal sensitivity on positive and meaningful social loneliness and the effect of social intelligence on self-critical negativity and meaning ($T > 1.96$). The effect of the indirect structure of interpersonal sensitivity on social loneliness is positive and significant due to the self-critical variable, but the effect of the indirect structure of social intelligence on loneliness is not critical and meaningful due to its variable. The structural effects of the overall interpersonal sensitivity on social, positive and meaningful loneliness, and structural effects of the whole social intelligence on the loneliness of society are also negative and significant ($T > 1.96$).

Keywords: Social Loneliness, Interpersonal Sensitivity, Social Intelligence, Self-Criticism

1 . Semnan Unit, Islamic Azad University, Semnan, Iran

2 . Semnan Islamic Azad University of Semnan

* Corresponding Author: Faeze.jahan@gmail.com

مقدمه

بسیاری از افراد به دلیل کاهش تعاملات ناشی از نقص سلامت جسمی، فوت نزدیکان، سالمندی، عدم مهارت‌های ارتباطی مناسب، اضطراب‌های اجتماعی و غیره تجربه زیادی از تنهایی اجتماعی^۱ دارند. به‌عنوان نمونه شواهد نشان می‌دهد ۲۵ تا ۵۰ درصد کل جمعیت بالای ۶۵ سال را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در حالی که تفاوت‌های فردی نیز وجود دارد، اما تأمین این نیاز، مستلزم تعاملات مثبت و زیاد با افراد دیگر در یک موقعیت با دوام است (کاناسی^۲، ایلوارپو^۳ و جونز^۴، ۲۰۱۶). تنهایی اجتماعی شامل عناصر اصلی و مهمی مانند احساس نامطلوب فقدان یا از دست دادن همدم، جنبه‌های ناخوشایند و منفی روابط از دست رفته و از دست دادن رابطه با دیگری است. بنابراین، تنهایی یک تجربه ناشی از نیاز اساسی بشر به تعلق داشتن است که ممکن است مداوم یا موقتی باشد (آشر^۵ و پاکت^۶، ۲۰۰۳). تنهایی اجتماعی سه عنصر یا مولفه دارد، یکم، زمانی است که به‌طور روشنی در روابط اجتماعی و میان فردی دارای نارسایی است. دوم آنکه بین روابط میان فردی مطلوب یا آرمانی، و روابطی که فرد در حال حاضر تجربه می‌کند، فاصله زیادی وجود داشته باشد، هر چند که ممکن است او دارای روابط اجتماعی هم باشد، یعنی تأثیر عنصر شناختی. به این صورت که تنهایی ناشی از این ادراک است که ارتباطات اجتماعی فرد برخی از انتظارات او را برآورده نمی‌کند. و عنصر سوم آنکه فرد دارای هیجان‌های منفی و ناخوشایند از این وضعیت است (رنویک^۷، وسویک^۸، چنگ^۹ و اسمیت^{۱۰}، ۲۰۰۸؛ هاگلی^{۱۱}، برلسون^{۱۲}، برنتسون^{۱۳}، کاسیوپو^{۱۴}، ۲۰۰۳؛ هنریچ^{۱۵} و گلون^{۱۶}، ۲۰۰۶؛ رایب^{۱۷}، ۲۰۰۵).

تنهایی اجتماعی به این دلیل دارای اهمیت است که هم با حالت هیجانی انسان و هم با فقر اجتماعی، رفتار و سلامتی در افراد پیوسته است (کواتر^{۱۸}، براون^{۱۹}، روتنبرگ^{۲۰}، ون هالست^{۲۱} و

1. Social loneliness
2. Kanasi
3. Ayilavarapu
4. Jones
5. Asher
6. Paquette
7. Renwick
8. Vosvick
9. Chng
10. Smith
11. Hawkley
12. Burleson
13. Berntson
14. Cacioppo
15. Heinrich
16. Gullone
17. Wright
18. Qualter
19. Brown
20. Rotenberg
21. Vanhalst

هریس^۱، ۲۰۱۳). احساس تنهایی اجتماعی افراد درگیر را، با احساس خلاء، افسردگی و بی‌تعلقی رو به رو می‌کند و به شیوه‌های مختلف بر تعاملات اجتماعی با سایر افراد، نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی آنان تاثیر می‌گذارد (وانگ^۲، ۲۰۱۶). احساس تنهایی به غمگینی، پوچی، تاسف و حسرت منتهی می‌شود (آشر و پاکت، ۲۰۰۳)، به رابطه کاذب با دیگران منجر می‌شود (ون هالست، ۲۰۱۳)، در کودکان مشکلات روانشناختی از جمله اضطراب می‌آورد (پیچ^۳، ۱۹۹۰). بنابراین تعیین متغیرهای تاثیرگذار بر آن از اهمیت برخوردار است.

حساسیت بین فردی^۴ یک متغیر مهم در زمینه تاثیر بر تنهایی اجتماعی است. حساسیت بین فردی به دقت در ادارات، قضاوت‌ها و پاسخ‌هایی که افراد نسبت به یکدیگر نشان می‌دهند، اشاره می‌کند. به عبارت دیگر حساسیت بین فردی توانایی فرد برای ارزیابی توانایی‌ها، حالات هیجانی و صفات دیگران از محرک‌های غیر کلامی است. حساسیت بین فردی به‌عنوان یک صفت منفی نیز تلقی شده است و به‌عنوان آگاهی و حساسیت بیش از حد نامعقول به رفتار و احساسات دیگران تعریف شده است، حساسیت بین فردی به وسیله احساس بی‌کفایتی و سوء تعبیر مکرر از رفتارهای میان فردی در دیگران مشخص می‌شود. حساسیت به درک هیجانات خود و دیگران و نیز روابط اجتماعی، گرچه می‌تواند به‌عنوان مولفه‌های هوش هیجانی سلامت روان را افزایش دهند، ولی از سوی دیگر حساسیت بیش از حد و توجه بیش از حد همدلانه در روابط بین فردی خود می‌تواند منجر به افزایش فشار بر فرد و کاهش سلامت روان او شود. افراد حساس در روابط بین فردی غالباً بدبین‌تر از دیگران هستند. به همین دلیل همواره با نوعی حالت تخاصم به دنیا و دیگران می‌نگرند. همین نگاه باعث می‌شود که دیگران از آنها فاصله بگیرند و در نهایت این افراد بیشتر احتمال دارد که تنها بمانند و در نتیجه حمایت اجتماعی کمتری از سوی خانواده و دوستان دریافت میکنند (فورسیس^۵، ۲۰۱۴).

متغیر دیگری که می‌تواند بر تنهایی اجتماعی اثرگذار باشد، هوش اجتماعی^۶ است. هوش اجتماعی توانایی به انجام رساندن وظایف و کارهای بین فردی و خردمندانه رفتار کردن در روابط مطرح می‌شود و نیز قابلیت است که به فرد اجازه می‌دهد رفتار مناسب را در جهت دست‌یابی به یک هدف مشخص داشته باشند. هوش اجتماعی معنی نزدیکی با مفاهیمی چون شایستگی، مهارت‌ها، موفقیت و پیشرفت دارد و همچنین با مفاهیمی مثل هوش هیجانی و هوش عاطفی اشتراکات زیادی دارد. هوش اجتماعی عبارت است از توانایی درک دیگران و اینکه آن‌ها در موقعیت‌های مختلف اجتماع، چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند (بورکویست^۷، ۲۰۱۶). کسانی

1. Harris
2. Wong
3. Page
4. interpersonal sensitivity
5. Forsythe
6. Social Intelligence
7. Bjorkqvist

که هوش اجتماعی بیشتری دارند، قادرند با سایر افراد راحت‌تر ارتباط برقرار کنند، بازخوردها، واکنش‌ها و احساس‌های دیگران را به سرعت دریافت می‌کنند، با دیگران راحت‌تر حل مساله می‌کند، ارتباط و کارها را رهبری می‌کنند و راحت‌تر می‌توانند به تش‌ها و تقابل‌های بین فردی به‌طور مثبت خاتمه دهند. افراد دارای هوش اجتماعی می‌توانند احساسات جمعی ابراز نشده را بیان کنند و برای هدایت فرد، افراد یا یک گروه جهت دستیابی به اهداف مطلوب، آن احساسات را در جای خود مطرح سازند و بالطبع اما افراد دارای هوش اجتماعی کم در این مولفه‌ها ناتوانند. طبیعتاً داشتن مولفه‌های مثبت هوش اجتماعی، تنهایی اجتماعی کمتری را پیش‌بینی می‌کند و برعکس (دانگ^۱، کوپر^۲ و کالیکو^۳، ۲۰۰۸).

خود انتقادی^۴ نیز متغیری است که می‌تواند بر تنهایی اجتماعی اثر بگذارد و در عین حال از دو متغیر حساسیت بین فردی و هوش اجماعی نیز تاثیر بگیرد. خود انتقادی دو مولفه دارد. خود انتقادی مقایسه‌ای^۵ و خود انتقادی درونی^۶. خود انتقادی مقایسه‌ای دیدگاه و ارزیابی نامطلوب خود در مقابل دیگران است، به عبارتی دیگر افراد دارای این ویژگی خودشان را در تعامل با دیگران ناکارآمد می‌دانند و به خود و ویژگی‌های خود انتقاد می‌کنند و ناراضی هستند. اما در خود انتقادی درونی فرد خود را در تعامل یا مقایسه با دیگران نقد نمی‌کند، بلکه کمبودها و نقائص خود فرد از منظر خودش مطرح است. یعنی بر اساس استانداردهای شخصی و خصوصی فرد خودش را نقد می‌کند (تامپسون و زوراف، ۲۰۰۴). مدل نظری و تجربی پیشنهاد شده توسط زوراف^۷، سانتور^۸ و مانگرین^۹ (۲۰۰۵) ادعا میکند که ویژگی‌های انگیزشی، شناختی و بین فردی خود انتقادی باعث افزایش و حفظ آسیب‌ها و ناراحتی‌های روانی میشود. افراد خود انتقاد دارای مشخصه‌های احساس بی ارزشی، احساس گناه و شکست شناسایی شده‌اند. همچنین گیلبر، کالرک، همپل، مایلز و آبرونز (۲۰۰۴) نیز نشان داده‌اند خود انتقادی مقایسه‌ای و درونی باعث ایجاد ناامیدی، احساس حقارت، بی کفایتی، انزجار و نفرت از خود می‌شود. هر دو شکل خود انتقادی به‌صورت مثبت با هم همبسته هستند. نظریه‌پردازان و پژوهشگران زیادی نشان داده‌اند اهمیت خود انتقادی بیشتر به خاطر ایجاد محیط پر تنش می‌باشد و تعامل و همبستگی با دیگران و اجتماع جزء این محیط می‌باشد. بنابراین خود انتقادی از طریق ایجاد نقص در توان فرد برای

1. Dong
2. Koper
3. Collaço
4. self-criticism
5. comparative self-criticism
6. internalized self-criticism
7. Zuroff
8. Mongrain
9. Santor

تعامل، محیط تعاملی او را متاثر می‌سازد و شاید به همین دلیل با تنهایی اجتماعی در تعامل است (بالنکستاین^۱ و دانکلی^۲؛ ۲۰۰۲؛ هویت^۳ و فلت^۴؛ ۲۰۰۲؛ زوراف و تامپسون، ۲۰۰۴).

بررسی ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که متغیر تنهایی اجتماعی با متغیرهای حساسیت بین فردی، هوش اجتماعی و خود انتقادی در ارتباط است. باتیار اریسلان^۵ (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان داد که متغیر حساسیت بین فردی به‌طور معناداری ارتباط اجتماعی مشکل ساز در شبکه‌های اجتماعی (فیس بوک) را پیش‌بینی می‌کند. ساریکام^۶، گندوکان^۷ و اروزکان^۸ (۲۰۱۲) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین احساسات رد تحصیلی دانش‌آموزان دانشگاه با اعتماد به نفس و سطح تنهایی، نشان داده‌اند حساسیت بین فردی و حساسیت به رد اجتماعی از سوی دانش‌آموزان دیگر با احساس تنهایی رابطه معنادار نشان می‌دهد. نارچال^۹ و مک داویت^{۱۰} (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان، تنهایی و حساسیت اضطرابی: درک رفتار فرار از تنهایی، نشان دادند که حساسیت بین فردی رفتار دیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد و این تاثیر با تنها گذاشتن فرد نمایان می‌شود. دیگران به رفتارهای حساسیت وار بین فردی طرف مقابل واکنش نشان می‌دهند و او را تنها می‌گذارند. وندی^{۱۱}، سیندیا^{۱۲} و والری^{۱۳} (۲۰۰۵) نیز در پژوهشی با عنوان، نگاه از بیرون: تنهایی و رصد اجتماعی، نشان داده‌اند که افرادی که تنهایی بیشتری دارند، در تعاملات اجتماعی نشانه‌های رمزگشایانه (حساسیت به روابط اجتماعی) بیشتری نشان داده‌اند. همچنین یافته‌های پژوهشی نشان داده است که متغیر هوش اجتماعی نیز با احساس تنهایی در ارتباط است. پژوهش فاتوس^{۱۴} و تابفان^{۱۵} (۲۰۱۳) نشان داده است که پردازش اطلاعات اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و آگاهی اجتماعی، که زیر ابعاد هوش اجتماعی هستند، ۲۶ درصد از تنهایی اجتماعی را تبیین می‌کنند. لی^{۱۶}، جونگ^{۱۷} و لی^{۱۸} (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی نشان داده‌اند که کم بودن هوش اجتماعی با تمام مولفه‌های نامطلوب احساسات و ارتباطات مثبت با والدین و همسالان در هر زمانی ارتباط دارد. الساری^{۱۹}

1. Blankstein, K. R.
2. Dunkley
3. Hewit
4. Flett
5. Bahtiyar Eraslan
6. Saricam
7. Gencdogan
8. Erozkam
9. Narchal
10. McDavitt
11. Wendi
12. Cynthia
13. Valerie
14. Fatos
15. Tayfun
16. Lee, HR.
17. Jeong, EJ
18. Lee, SL
19. Al-Saree

الشورمن^۱ (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با هدف بررسی هوش هیجانی و ارتباط آن با تنهایی در میان والدین کودکان مبتلا به اوتیسم، نشان دادند که هوش هیجانی (که سازه‌ای نزدیک به هوش اجتماعی است) با دوری گزینی رابطه منفی دارد. ژو^۲ (۲۰۱۸) نیز در پژوهشی مروری با عنوان بررسی تحقیقات تنهایی در محل کار، بیان می‌کنند که هوش اجتماعی یکی از مولفه‌های تاثیرگذار بر تعامل یا تنهایی است. همچنین پژوهش‌های صورت گرفته بر روی رابطه یا تاثیر خود انتقادی با تنهایی اجتماعی نیز موید رابطه این دو متغیر است. بیسر^۳، فلت^۴ و دایس^۵ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان، خود انتقادی، وابستگی، سکوت خود^۶ و تنهایی: بررسی یک مدل میانجی، نشان دادند که خود انتقادی با سکوت و تنهایی اجتماعی در ارتباط است. ایسلانتی^۷ (۲۰۱۸) نیز در پژوهش نشان داد انزجار و انتقاد از خود با احساس تنهایی رابطه دارد همانطور که عنوان شد تنهایی اجتماعی یک متغیر نامطلوب است که با فقر اجتماعی، رفتار و سلامتی در افراد پیوسته است (کواتر و همکاران، ۲۰۱۳)، احساس خلاء، افسردگی و بی‌تعلقی می‌آورد و بر نحوه زندگی و سلامت جسمانی و روانی آنان تاثیر می‌گذارد (وانگ، لیو^۸، لین^۹، هوانگ^{۱۰} و وی^{۱۱}، ۲۰۱۶)، به گمگینی پوچی، تاسف و حسرت منتهی می‌شود (آشر و پاکت، ۲۰۰۳)، به رابطه کاذب با دیگران منجر می‌شود (ون هالست، ۲۰۱۲)، اضطراب می‌آورد (بیج، ۱۹۹۰). مرور مبانی نظری و پژوهش‌های صورت گرفته نشان دهنده آن است که تنهایی اجتماعی به‌عنوان یکی از متغیرهای نامطلوب می‌تواند متاثر از سه متغیر حساسیت بین فردی، هوش اجتماعی و متغیر خود انتقادی باشد. لذا در پیشینه پژوهشی، پژوهش‌هایی را نمی‌توان یافت که به پیش‌بینی تنهایی اجتماعی در مدلی متشکل از سه متغیر پیش بین حساسیت بین فردی، هوش اجتماعی و خود انتقادی باشد. با توجه به اصل ایجاز، مطلوب است که به تبیین تنهایی اجتماعی در قالب مدل‌های مختصر پرداخت و نقش مهمترین متغیرها را بر آن مشخص کرد. علاوه بر مورد نام برده، پیش‌بینی تنهایی اجتماعی در قالب یک مدل معادلات ساختاری نیز می‌تواند ابعاد جدیدی از تغییرات تنهایی اجتماعی را روشن سازد، بدین صورت که در این پژوهش متغیر خود انتقادی به‌عنوان متغیر میانجی مطالعه می‌شود، یعنی در حالی که متغیر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی اثر گذار است، خودش تحت تاثیر متغیرهای هوش اجتماعی و حساسیت بین فردی قرار می‌گیرد، این مدل می‌تواند اثرات مستقیم و غیر مستقیم و کل دو متغیر اخیر را بر تنهایی اجتماعی مشخص سازد. بنابراین در این

1. Alshurman
2. Zhou
3. Besser
4. Flett
5. Davis
6. dependency& silencing the self
7. Ypsilanti
8. Liu
9. Lin
10. Huang
11. Wai

پژوهش به بررسی مدل پیش‌بینی تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی با میانجی‌گری خود انتقادی پرداخته شد، تا مشخص گردد، آیا تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی، هوش اجتماعی و خود انتقادی قابل پیش‌بینی است؟ و میزان اثرات غیر مستقیم و کل هوش اجتماعی و خود انتقادی به واسطه خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی چه میزانی است؟

روش پژوهش

طرح پژوهش همبستگی بود و جامعه آماری این پژوهش تمامی دانشجویان دانشگاه‌های آزاد شهر تهران بود. در این پژوهش تعداد ۶۳۲ نفر شرکت کردند. برای تعیین حجم نمونه با توجه به آنکه روش تحلیل داده‌ها، تحلیل مسیر بود، بنتلر (۱۹۹۳، نقل از میولر، ۱۹۹۶) بیان می‌کنند که حجم نمونه با توجه به تعداد پارامترهایی که باید برآورد شود تعیین شود که نسبت نمونه به پارامتر را حداقل ۵ به ۱ عنوان کرده‌اند. در این پژوهش مجموع پارامترهایی که می‌توان برآورد کرد ۳۵ پارامتر می‌باشد. بنابراین حجم نمونه ۶۳۲ نفر کفایت لازم را برای تحلیل مسیر دارا بود و نمونه‌گیری بیشتر به دلیل پوشش واریانس جامعه و نیز قابلیت تعمیم یافته‌ها انجام گرفت. روش نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای بود. روش انجام کار نیز به این گونه بود که از بین تمامی واحدهای دانشگاه آزاد شهر تهران، واحد تهران مرکز و تهران جنوب انتخاب شد، سپس از بین تمامی رشته‌های این واحدها، ۵ رشته به تصادف انتخاب شد و بین دانشجویان این ۵ رشته ۶۵۰ پرسشنامه توزیع شد و ۶۳۲ پرسشنامه کامل و بدون نقص جمع گردید.

ابزارهای پژوهش

الف) مقیاس تنهایی اجتماعی^۱: یک ابزار ۱۰ ماده‌ای است که با اقتباس از پرسشنامه‌های تنهایی (راسل، ۱۹۹۶؛ دیتوماسو و اسپاینر، ۱۹۹۳؛ هیس و دیمتئو، ۱۹۸۷) برای سنجش احساسات افراد نسبت به روابط با دیگران ساخته شده است (بشارت، ۱۳۹۲). این مقیاس احساس تنهایی فرد را در اندازه‌های پنج درجه‌ای از ۱ (اصلاً این طور نیستم) تا ۵ (کاملاً این طور هستم) می‌سنجد. حداقل و حداکثر نمره آزمودنی در این مقیاس به ترتیب ۱۰ و ۵۰ است. میزان همسانی درونی این ابزار توسط سازندگان ۰/۸۹ بر حسب آلفای کرانباخ، در ایران این مقدار ۰/۸۸ بر حسب آلفای کرانباخ به‌دست آمده است (بشارت، ۱۳۹۲).

ب) مقیاس حساسیت بین فردی^۲: پرسشنامه حساسیت بین فردی توسط بویس و پاپکر (۱۹۸۹) برای سنجش ابعاد اساسی مفهوم حساسیت بین فردی ابداع شد. این پرسشنامه ۳۶ سؤال و ۵ خرده مقیاس دارد که پاسخ به هر عبارت آن در یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای می‌باشد. این ۵

1. Social loneliness
2. interpersonal sensitivity

عامل شامل آگاهی بین فردی، نیازبه تأیید، اضطراب جدایی، کمرویی و خود درونی شکننده می‌باشد. مطالعات در خصوص IPSM شواهد روان سنجی خوبی را به همراه داشته است، به‌طوری که همسانی درونی و پایایی بازآزمایی و اعتبار همگرا و واگرایی بالایی گزارش شده است. بویس و پاپکر (۱۹۸۹) ضریب پایایی بازآزمایی ۰/۸۵ برای نمره کل و ضرایبی در دامنه ۰/۵۵ تا ۰/۷۶ برای خرده مقیاس‌های آن گزارش کرده‌اند. در ایران نیز پایایی مقیاس حساسیت بین فردی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ به‌دست آمد و روایی آن نیز تأیید شد (نریمانی، پرزور، بشرپور؛ ۱۳۹۴).

ج) مقیاس هوش اجتماعی^۱ (تت، ۲۰۰۸): این پرسشنامه دارای ۴۵ ماده دو گزینه‌ای است (بلی، خیر) که گزینه‌های آن با صفر و یک نمره گذاری می‌شود و نمره هر آزمودنی بین ۰ تا ۴۵ می‌باشد. امتیاز بیشتر به معنای هوش اجتماعی بالاتر است. آنگ تون تت (۲۰۰۸) پایایی و اعتبار این آزمون را در حد مطلوب و قابل قبولی گزارش کرده است، روایی و پایایی این پرسشنامه در جامعه ایرانی مورد تأیید قرار گرفته است (شفیعی، خداپناهی، صدق پور، ۱۳۸۷). نتایج بررسی صفاری نیا و همکاران پایایی آزمایش هوش اجتماعی را در ایران با استفاده از آلفای کرونباخ، بازآزمایی و دونیمه‌سازی به ترتیب ۰،۷۸، ۰،۷۵، ۰،۷۶ و روایی همزمان آن را با پرسشنامه هوش هیجانی شرنیک ۰،۷۵ گزارش کرده‌اند. (صفاری نیا، تبریزی، محتشمی و حسن زاده، ۲۰۱۵).

د) مقیاس خود انتقادی^۲: در این پژوهش برای اندازه‌گیری خود انتقادی از مقیاس ماده‌ای خود انتقادی/ حمله به خود/ قو قلب (گیلبرت، همپل، مایلز و آبرونز، ۲۰۰۴) استفاده شد. پاسخ به هر سؤال این مقیاس در یک طیف ۵ رتبه‌ای از نوع لیکرتی از کاملاً مخالفم (۰) تا کاملاً موافقم (۵) تنظیم شده و حداکثر و حداقل نمره آن به ترتیب از صفر تا ۲۲ در نوسان است. گیلبرت و همکاران (۲۰۰۴) ضریب پایایی آلفای کرونباخ این مقیاس را ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند، در ایران نیز پایایی مقیاس سطوح خود انتقادی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد (موسوی و قربانی، ۱۳۸۵). هم چنین برای بررسی روایی همگرایی این ابزار از مقیاس مشکلات بین شخصی استفاده شد که ضرایب همبستگی بین خرده مقیاس‌های سطوح خودانتقادی با خرده مقیاس‌های پرسشنامه مشکلات بین شخصی مثبت و معنادار محاسبه شد (موسوی و قربانی، ۱۳۸۵).

داده‌های این پژوهش با استفاده از نرم افزار SPSS و LISREL تجزیه و تحلیل شد. داده‌ها در دو سطح توصیفی، شامل گزارش اطلاعات جمعیت شناختی و نیز ارائه شاخص‌های گرایش مرکزی و پراکندگی وضعیت متغیرهای پژوهش، و نیز در سطح استنباطی با روش آماری تحلیل مسیر با استفاده از مدل معادلات ساختاری انجام شد.

1. Social Intelligence
2. self-criticism

یافته‌ها

در این پژوهش تعداد ۶۳۲ نفر شرکت کردند. میانگین و انحراف معیار سنی افراد نمونه $9/25 \pm$ بود. تعداد ۳۵۷ نفر (۵۶/۵ درصد) مرد و تعداد ۲۷۵ نفر (۴۳/۵ درصد) زن بودند. تعداد ۴۷۳ نفر (۷۴/۸ درصد) افراد مجرد، ۱۴۹ نفر متأهل (۲۳/۶ درصد) متأهل و ۱۰ نفر مطلقه (۱/۶ درصد) مطلقه بودند. ۵۲ نفر (۸/۳ درصد) مدرک دیپلم، ۴۸ نفر (۷/۶ درصد) فوق دیپلم، ۳۰۴ نفر (۴۸/۱ درصد) لیسانس، ۲۱۲ نفر (۳۳/۵ درصد) فوق لیسانس و ۱۶ نفر (۲/۵ درصد) دانشجوی دکتری بودند. تعداد ۲۸۸ نفر (۴۵/۶ درصد) کارمند، ۱۵۶ نفر (۲۴/۷ درصد) شغل آزاد و ۱۸۸ نفر (۲۹/۷ درصد) دانشجو بودند.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی گرایش مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش

متغیر	مولفه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	KS-Sig
تنهایی اجتماعی	-	۱۹/۷۱	۵/۲۹	۰/۴۰۷	-۰/۰۵۳	-۰/۰۵۷
خود انتقادی	خود انتقادی درونی شده	۳۲/۲۹	۹/۶۲	-۰/۳۳۴	-۰/۲۲۸	-۰/۰۷۷
	خود انتقادی مقایسه ای	۳۶/۸۹	۶/۱۵	-۰/۶۰۱	۱/۵۹	-۰/۰۲۲
	آگاهی بین فردی	۹/۸۰	۳/۶۱	-۰/۱۷۵	-۰/۲۷۴	-
	نیاز به تایید	۱۷/۲۷	۲/۴۸	-۰/۴۵۸	-۰/۶۷۲	-
حساسیت بین فردی	اضطراب اجتماعی	۱۰/۴۵	۳/۹۵	۰/۲۵۰	-۰/۱۰۲	-
	کمرویی	۱۲/۴۰	۲/۸۰	-۰/۲۶۰	-۰/۲۹۰	-
	عزت نفس شکننده	۵/۰۳	۲/۷۷	۰/۴۵۰	-۰/۱۶۶	-
هوش اجتماعی	-	۳۰/۱۸	۴/۳۲	-۰/۰۱۸	-۰/۴۸۰	-

یافته‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که میزان تنهایی اجتماعی در اعضای نمونه نسبتاً پایین می‌باشد و اعضای گروه نمونه پژوهش تنهایی اجتماعی زیادی را از خود گزارش نکرده‌اند، چولگی مثبت نیز وضعیت پایین‌تر از حد متوسط در این متغیر را نشان می‌دهد. میزان خود انتقادی درونی شده و نیز خود انتقادی مقایسه‌ای از مقدار میانگین و متوسط اندکی بالاتر است، یا به عبارتی میزان خود انتقادی در افراد گروه نمونه اندکی زیاد است و میزان چولگی منفی نیز گویای این وضعیت است. میزان حساسیت بین فردی حول میانگین و متوسط این متغیرها در گروه نمونه گزارش شده است. میزان حساسیت بین فردی در مولفه‌های آگاهی بین فردی، نیاز به تایید و کمرویی اندکی بیشتر از حد متوسط و میزان اضطراب اجتماعی و عزت نفس شکننده اندکی کمتر از حد متوسط گزارش شده است. مشاهده میزان چولگی مثبت و منفی و کمتر از $1 \pm$ این وضعیت را نشان می‌دهد. میزان هوش اجتماعی در افراد گروه نمونه پژوهش اندکی بیشتر از حد متوسط گزارش شده است، به عبارتی دیگر افراد گروه نمونه پژوهش هوش اجتماعی نسبتاً بالایی را از خود گزارش کرده‌اند.

مقیاس اندازه‌گیری همه داده‌ها فاصله‌ای بود. آزمون کلموگروف اسمیرنوف نشان داد که داده‌های سه متغیر درونزاد (ملاک) در این پژوهش با توزیع نرمال تفاوت ندارد، لذا داده‌های این پژوهش نیز نرمال است ($p > 0/01$). مفروضه خطی بودن رابطه بین متغیرهای درونزاد تنهایی اجتماعی با تمامی مولفه‌های حساسیت

بین فردی و دو مولفه خود انتقادی و نیز با متغیر هوش اجتماعی، همچنین رابطه بین متغیرهای خودانتقادی با دو متغیر حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی توسط نمودار پراکنش نگار (اسکتر) بررسی شد و شیب مستقیم این نمودارها برای تمام روابط نام برده نشان داد که رابطه بین تمامی متغیرهای درون‌زاد با متغیرهای درون‌زاد، خطی است. لذا مفروضه خطی بودن روابط بین متغیرها برقرار بود. مفروضه نرمال بودن مقادیر پسماند متغیر درون‌زاد یا ملاک (متغیر تنهایی اجتماعی) توسط نمودار p-p plot بررسی شد. زاویه ۹۰ درجه خط و چیش تمامی نقاط پسماند حول این خط نشان دهنده نرمال بودن مقادیر پسماند در متغیر درون‌زاد بود.

جدول ۲. بارهای عاملی متغیرهای نشانگر حساسیت بین فردی و خود انتقادی بر این سازه مکنون (لامبدای γ)

شاخص	آگاهی بین فردی	حساسیت بین فردی			خود انتقادی	
		نیاز به تایید	اضطراب اجتماعی	کمرویی	عزت نفس شکننده	خود انتقادی درونی شده
اثرات خام	۰/۱۶۳	۰/۸۸۹	۰/۷۰۵	۰/۵۵۵	۰/۲۱۸	
خطای استاندارد مقدار T	۰/۰۱۹	۰/۰۲۷	۰/۰۲۵	۰/۰۲۰	۰/۰۲۴	۱
اثر استاندارد	۳/۰۸	۰/۵۰۲	۲/۷۴	۱/۷۱	۱/۴۳	۶/۵۸

یافته‌های جدول ۲ نشان می‌دهد که هر پنج متغیر نشانگر آگاهی بین فردی، اضطراب اجتماعی، کمرویی، عزت نفس شکننده و نیاز به تایید به ترتیب به‌طور معناداری بر سازه حساسیت بین فردی بار شده‌اند، بنابراین این پنج متغیر نشانگر سهم معناداری در تشکیل متغیر خود انتقادی دارند. همچنین هر دو متغیر نشانگر خود انتقادی مقایسه‌ای و خود انتقادی درونی شده به‌طور معناداری بر سازه مکنون خود انتقادی بار شده‌اند.

جدول ۴. ضرایب ساختاری مستقیم، غیر مستقیم و کل بین متغیرهای درون‌زاد و برون‌زاد پژوهش
 (بتا و گاما)

اثر ساختاری غیر مستقیم		اثر ساختاری کل		اثرات ساختاری مستقیم		شاخص
هوش اجتماعی تنهایی بر	حساسیت تنهایی بر	هوش اجتماعی تنهایی بر	حساسیت تنهایی بر	خود انتقادی هوش اجتماعی بر	حساسیت تنهایی بر	
۰/۶۴۰	۱/۷۰	-۱/۰۸	۱/۴۷	-۱/۰۳	۱/۴۷	اثرات خام
۰/۳۲۵	۰/۵۲۱	۰/۵۰۸	-۱/۱۸۳	-۱/۴۱۰	-۱/۱۸۳	خطای استاندارد
۱/۹۷	۳/۲۶	-۲/۱۳	۸/۰۲	-۲/۵۱	۸/۰۲	مقدار T
۴/۲۱	۵/۲۴	-۱/۰۹	-۱/۶۹۰	-۱/۱۵۷	-۱/۶۹۰	اثر استاندارد

جدول ۳ نشان می‌دهد که هر سه متغیر خود انتقادی، حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی اثرات معناداری بر تنهایی اجتماعی دارند ($T > 1.96$). اثر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی مثبت و اثر حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی منفی است. مقادیر استاندارد نشان می‌دهد که متغیر حساسیت بین فردی، خود انتقادی و هوش اجتماعی بیشترین تا کمترین اثرات مستقیم و معنادار را بر تنهایی اجتماعی دارند. هر دو متغیر حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی اثرات معناداری بر متغیر خود انتقادی دارند ($T > 1.96$). اثر حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی مثبت و اثر هوش اجتماعی بر خود انتقادی منفی است. مقادیر استاندارد نشان می‌دهد متغیر حساسیت بین فردی اثر بیشتری از هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی دارند. یافته‌های نشان می‌دهد که اثر ساختار غیر مستقیم حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی به واسطه متغیر خود انتقادی مثبت و معنادار است ($T > 1.96$). اما یافته‌های نشان می‌دهد که اثر ساختار غیر مستقیم هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی به واسطه متغیر خود انتقادی منفی است ($T < 1.96$). همچنین یافته‌های نشان می‌دهد که اثرات ساختاری کل حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی (یعنی تجمیع اثر حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی و اثر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی) مثبت و معنادار است ($T > 1.96$). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد اثرات ساختاری کل هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی (یعنی تجمیع اثر هوش اجتماعی بر تنهایی اجتماعی و اثر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی) منفی و معنادار است ($T > 1.96$).

جدول ۴. ضرایب تعیین تنهایی اجتماعی و دو مولفه خود انتقادی توسط متغیرهای مدل

شاخص	مقدار R^2 تنهایی اجتماعی	مقدار R^2 خود انتقادی	مقدار R^2 خود انتقادی مقایسه ای
مقدار R^2	-۰/۰۶۷	۰/۵۰۰	۰/۰۶۸

جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان تقریباً ۰/۰۷ از واریانس متغیر تنهایی اجتماعی توسط متغیرهای مدل پیش‌بینی می‌شود. همچنین میزان ۰/۵۰ از واریانس متغیر خود انتقادی درونی شده و میزان تقریبی ۰/۰۷ از واریانس متغیر خود انتقادی مقایسه‌ای توسط دو متغیر حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی تبیین می‌شود و این مقادیر معنادار می‌باشند ($T > 1.96$).

جدول ۵. شاخص‌های برازندگی مدل

نوع شاخص	نام شاخص	مقدار مطلوب	مقادیر الگوی پژوهش
مطلق (برازندگی مدل)	درجه آزادی (df)	-	۲۳
	کای اسکوتر (NIMC)	-	۴۰۴/۸۶
شاخص‌های نسبی	سطح معناداری (P)	کمتر از ۰/۰۵	۰/۰۰۱
	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۱۰ به پایین	۰/۱۰
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۹۰ به بالا	۰/۹۴
	شاخص برازش اصلاح شده (NFI)	نزدیک به یک	۰/۸۹۲
	شاخص برازندگی فزاینده (IFI)	۰/۹۰ به بالا	۰/۹۰
	شاخص برازش نسبی (RFI)	۰/۶۰ به بالا	۰/۸۳۲
	شاخص برازش هنجار شده مقصد (PNFI)	۰/۶۰ به بالا	۰/۵۷۰

جدول ۵ شاخص‌های برازش مدل را نشان می‌دهد. مقادیر مطلوب و مقادیر استخراج شده فوق نشان می‌دهد که الگوی اندازه‌گیری پژوهش الگویی قابل قبول است و مدل پژوهش دارای برازش است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش پیش‌بینی تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی و هوش اجتماعی با میانجی‌گری خود انتقادی بود. یافته‌های پژوهش نشان داد متغیر تنهایی اجتماعی بر اساس حساسیت بین فردی به‌طور مثبت و معناداری با تنهایی اجتماعی رابطه دارد، بدان معنا که با افزایش حساسیت بین فردی، تنهایی اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و برعکس. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های مشابهی همچون باتیار اریسلان (۲۰۱۵) که نشان داد متغیر حساسیت بین فردی به‌طور معناداری ارتباط اجتماعی مشکل ساز را پیش‌بینی می‌کند. همسو بود، همچنین با پژوهش ساریکام، گندوکان و اروزکان (۲۰۱۲) که نشان دادند حساسیت بین فردی با احساس تنهایی رابطه معنادار دارد، همسو بود. همچنین با پژوهش نارچال و مک داویت (۲۰۱۷) که نشان دادند حساسیت بین فردی در نهایت باعث تنهایی می‌شود، همسو بود. همچنین با پژوهش وندی و همکاران (۲۰۰۵) که نشان داده‌اند افرادی تنها، نشانه‌های حساسیت بین فردی بیشتری دارند، نیز همسو بود. در تبیین یافته به‌دست آمده مبنی بر اثر مثبت و معنادار حساسیت بین فردی بر تنهایی

اجتماعی تبیین ذیل قابل ارائه است. حساسیت بین فردی در حالتی که بیش از حد معمول و مطلوب باشد به‌عنوان آگاهی و حساسیت بیش از حد نامعقول به رفتار و احساسات دیگران تعریف شده است. حساسیت بین فردی باعث می‌شود احساس بی‌کفایتی و سوء تعبیر مکرر از رفتارهای میان فردی به وجود آید (بایاس و پاپکر، ۱۹۸۹). حساسیت به درک هیجانات خود و دیگران، گرچه می‌تواند به‌عنوان مولفه‌های هوش هیجانی سلامت روان را افزایش دهند، ولی حالت افراطی آن می‌تواند منجر به افزایش فشار بر فرد و کاهش سلامت روان شود. این افراد غالباً بدبین‌تر از دیگرانند و به همین دلیل همواره با نوعی حالت تخاصم به دنیا و دیگران می‌نگرند. همین نگاه باعث می‌شود که دیگران از آنها فاصله بگیرند و در نهایت این افراد بیشتر احتمال دارد که تنها بمانند و در نتیجه حمایت اجتماعی کمتری از سوی خانواده و دوستان دریافت میکنند (فورسیس، ۲۰۱۴). کاسیوپو^۱ و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کند که افراد دارای حساسیت بین فردی به نظارت و قضاوت‌های دیگران درباره خودشان زیاد اهمیت می‌دهند، و دأوا به این فکر خواهند کرد که دیگران چه اندیشه‌ای در باره آنها دارند، این اندیشه‌ها نیز از احساس ناتوانی و عدم کفایت خود ناشی می‌شود، که از نظر عاطفی نیز منجر به احساس ناراحتی و اضطراب اجتماعی و رفتارهای غیر جرات‌مندانانه بیشتر می‌شود، که در نهایت افراد برای فرار یا در امان ماندن از این فرایند، تنهایی اجتماعی را ترجیح می‌دهند و این مساله تنهایی بیشتری به بار خواهد آورد (کاسیوپو، کول^۲، کاپیتانیو^۳، گوسنز^۴ و بومسما^۵، ۲۰۱۵). افراد دارای حساسیت بین فردی علاوه بر تعبیر و تفسیرهای نا درست در نزد خود، در تعامل‌های اجتماعی نیز به سوء تعبیر و سوء تفسیر رفتارهای طرف یا طرفیت مقابل می‌پردازند، به همین خاطر، به دنبال عدم دریافت نشانه‌ها و حمایت‌های اطلاعاتی، عاطفی، حمایتی و غیره و نیز به دلیل انعکاس آگاهانه یا ناآگاهانه آن سوء تعبیرها به طرف مقابل که متقابلاً باعث می‌شود طرف مقابل به فرد و ارتباط با او واکنش‌های منفی نشان دهد، ارتباط بین طرفین قطع شده یا به شدت کاهش یابد و در نتیجه تنهایی اجتماعی بیشتری را منجر شود (لایدن^۶، کاسیوپو، کاپا^۷، دودیچ^۸ و فالینی^۹، ۲۰۱۷).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که هوش اجتماعی به‌طور منفی و معناداری بر تنهایی اجتماعی موثر است، به نحوی که با افزایش هوش اجتماعی، احساس تنهایی اجتماعی کاهش می‌یابد و برعکس. این یافته با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو بود. این یافته با یافته‌های پژوهش

1. Cacioppo
2. Cole
3. Capitanio
4. Goossens
5. Boomsma
6. Layden
7. Cappa
8. Dodich
9. Falini

فانتوس و تایفان (۲۰۱۳) که نشان دادند تنهایی اجتماعی به‌طور معناداری توسط هوش اجتماعی تبیین و پیش‌بینی می‌شود، همسو بود. همچنین با یافته لی، جونگ لی (۲۰۱۸) که نشان داده‌اند کم بودن هوش اجتماعی ارتباطات مثبت با والدین و همسالان را به‌طور معناداری کاهش می‌دهد، همسو بود. یافته این پژوهش با یافته الساری و الشورمن (۲۰۱۵) که نشان دادند هوش هیجانی (که سازه‌های نزدیک به هوش اجتماعی است) با دوری‌گزینی رابطه منفی دارد، همسو بود. همچنین با یافته ژو (۲۰۱۸) که نشان داد هوش اجتماعی یکی از مولفه‌های تاثیرگذار بر تعامل یا تنهایی است، نیز همسو بود. در تبیین نتیجه به‌دست آمده، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. هوش هیجانی دارای مولفه و کارکردهای مطلوب و سازنده‌ای در روابط اجتماعی است که باعث تقویت رابطه بین فردی و اجتماعی فرد با افراد دیگر می‌شود. از جمله آنکه، بورکویست (۲۰۱۶) اشاره می‌کند، هوش اجتماعی برای فرد توانایی انجام درست وظایف و خردمندانه رفتار کردن را فراهم می‌آورد که این پدیده حتما با قدردانی طرفین مقابل در هر محیطی همراه است، همچنین با احساس مهارت و شایستگی ارتباط دارد، که باعث تداوم و اعتماد به نفس در رابطه اجتماعی می‌شود (بالعکس حساسیت بین فردی)، باعث وجود عاطفه مشترک می‌شود و توانایی درک دیگران و هوش هیجانی را بالا می‌برد. بنابراین از نظر بورکویست، هوش اجتماعی از طریق این سازوکار تهابی اجتماعی را می‌کاهد. دانگ، کوپر و کالیکو (۲۰۰۸) نیز بیان می‌کنند، کسانی که هوش اجتماعی بیشتری دارند، قادرند با سایر افراد راحت‌تر ارتباط برقرار کنند، بازخورد هاربا، واکنش‌ها و احساس‌های دیگران را به سرعت دریافت می‌کنند، با دیگران راحت‌تر حل مساله می‌کند، ارتباط و کارها را رهبری می‌کنند و راحت‌تر می‌توانند به تنش‌ها و تقابل‌های بین فردی به‌طور مثبت خاتمه دهند. افراد دارای هوش اجتماعی می‌توانند احساسات جمعی ابراز نشده را بیان کنند و برای هدایت فرد، افراد یا یک گروه جهت دستیابی به اهداف مطلوب، آن احساسات را در جای خود مطرح سازند و بالطبع اما افراد دارای هوش اجتماعی کم در این مولفه‌ها ناتوانند (دانگ، کوپر و کالیکو، ۲۰۰۸). سیلورا^۱ (۲۰۰۱) نیز بیان می‌کند که افراد دارای هوش اجتماعی یک مولفه قوی به نام آگاهی اجتماعی^۲ دارند. آگاهی اجتماعی که زیر ابعاد هوش اجتماعی است، رفتارهای مناسب را در محیط‌های اجتماعی را فراهم می‌کند. افرادی که دارای آگاهی اجتماعی بالا هستند، موفق به انجام اقدامات مناسب در محیط‌های اجتماعی می‌شوند، و واکنش و رفتار منطقی در مقابله با رفتارهای دیگران نشان می‌دهند. به عبارت دیگر، افرادی که آگاهی اجتماعی دارند می‌دانند چه چیزی باید بگویند، نحوه رفتار و چگونگی درگیر شدن با دیگران را به درستی اجرا می‌کنند. آگاهی اجتماعی بالا، باعث کاهش تنش در محل کار و تحصیل می‌شود. همچنی هوش اجتماعی باعث مهارت‌های اجتماعی می‌شود که خود موجب توانایی افراد برای انجام تعامل مناسب در روابط انسانی است. افراد با مهارت‌های اجتماعی بالا

1. Silvera
2. social awareness

می‌توانند با محیط‌های اجتماعی سازگار شوند و به راحتی بتوانند با دوستان خود گفتگو کنند و وارد تعامل شوند (سیلورا، ۲۰۰۱). در صورت پایین بودن سطح مهارت‌ها و هوش اجتماعی در برخی افراد بدیهی است که آنها روابط اجتماعی و متعاقب آن همدلی مناسبی نداشته باشند. همدلی به‌عنوان یکی از مولفه‌های شخصیت جامعه‌پسند نقش مهمی در زندگی اجتماعی و پیرو آن عدم تنهایی اجتماعی دارد زیرا افراد جامعه‌پسند دارای سطوح بالای همدلی، رفتارهای نوع دوستانه جالب توجهی نشان می‌دهند که عاری از انتظار پاداش متقابل و مستقیم است. (صفری نیا، ۲۰۱۲).

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که متغیر خود انتقادی نیز به‌طور مثبت و معناداری، تنهایی اجتماعی را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به عبارتی، با افزایش میزان خود انتقادی، تنهایی اجتماعی افزایش می‌یابد و با کاهش آن، تنهایی اجتماعی نیز کاسته می‌شود. این یافته با یافته‌های دو پژوهش بیسر، فلت و داویس (۲۰۱۷) که در پژوهشی نشان دادند خود انتقادی با سکوت و تنهایی اجتماعی در ارتباط است و نیز با پژوهش ایپسلانتی (۲۰۱۸) که در پژوهش نشان داد انزجار و انتقاد از خود با احساس تنهایی رابطه دارد، همسو و هماهنگ بود. همچنین با پژوهش مونگراین^۱ و لیسر^۲ (۲۰۰۶) که نشان دادند خود انتقادی با گوشه‌گیری و افسردگی رابطه دارد، همسو بود. در تبیین نتیجه به‌دست آمده مبنی بر اثر مثبت و معنادار خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی، تبیین ذیل قابل ارائه می‌باشد. خود انتقادی دو مولفه اصلی دارد که هر دوی آنها به نحوی باعث کاهش سطح تعامل فرد با دنیای اطراف و دیگران می‌شود. خود انتقادی مقایسه‌ای و خود انتقادی درونی. شاید بتوان گفت خود انتقادی مقایسه‌ای اثر واضح تری بر تنهایی اجتماعی دارد، خود انتقادی مقایسه‌ای دیدگاه و ارزیابی نامطلوب خود در مقابل دیگران است، به عبارتی دیگر افراد دارای این ویژگی خودشان را در مقایسه با دیگران ناکارآمد می‌دانند و به خود و ویژگی‌های خود انتقاد می‌کنند و ناراضی هستند. افراد داریابی این ویژگی برای در امان ماندن از تبعات شناختی و هیجانی منفی، نقد خود، مقایسه منفی و ارزیابی‌های منفی از خود، سطح تعامل شان را جهت دوری گزینی از مقایسه، کم می‌کنند (تامپسون و زوراف، ۲۰۰۴). زوراف، سناتور و مانگراین (۲۰۰۵) بیان می‌کنند افراد خود انتقادگر ویژگی‌های انگیزشی، شناختی و بین فردی منفی دارند که باعث افزایش و حفظ آسیب‌ها و ناراحتی‌های روانی می‌شود. گیلبر، کالرک، همپل، مایلز و آیرونز (۲۰۰۴) نیز نشان داده‌اند خود انتقادی مقایسه‌ای و درونی باعث ایجاد ناامیدی، احساس حقارت و بی‌کفایتی خود می‌شود و افرادی که در خود احساس بی‌کفایتی و حقارت می‌کنند، قادر به ایجاد رابطه نیستند، یا اتصال و تعامل بیشتر را بلد نیستند و جرات ورزی در این کار را ندارند، تعامل‌های جدید برقرار نمی‌کنند، ریسک پذیرش افراد جدید را ندارند. هر دو شکل خود انتقادی به‌صورت مثبت با هم همبسته هستند. نظریه‌پردازان و پژوهشگران نشان داده‌اند خود انتقادی محیط ایجاد پر تنش ایجاد می‌کند. و

1. Mongrain
2. Leather

همانطو که عنوان شد احتمالاً خود انتقادی از طریق ایجاد نقص در توان فرد برای تعامل، محیط تعاملی او را متاثر می‌سازد و به همین دلیل با تنهایی اجتماعی در تعامل است (بالنکستاین و دانکلی، ۲۰۰۲؛ هویت و فلت، ۲۰۰۲؛ زوراف و همکاران، ۲۰۰۴). بیسر، فلت و داویس (۲۰۱۷) نیز بیان می‌کنند که افراد دارای خود انتقادی نسبت به بازخوردهایی که از دیگران دریافت می‌کنند نیز حساسیت بیش از حدی نشان می‌دهند و تعارض‌های عمومی و خصوصی شخصیت خود را بیشتر درمی‌یابند، بنابراین آنها در روابط شان با دنیای پیرامون محافظه کار خواهند بود و در تلاش جهت نگه داشتن یا تطیف رابطه خود با دیگران، رکود و سکوت بیشتری دارند.

علاوه بر تاثیر مستقیم سه متغیر، هوش اجتماعی، حساسیت بین فردی و خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی، نتایج دیگر پژوهش نشان که متغیر هوش اجتماعی اثر غیر مستقیم معناداری بر تنهایی اجتماعی داشته، اما حساسیت بین فردی اثر غیر مستقیم معناداری بر تنهایی اجتماعی نشان نداده است (با واسطه متغیر خود انتقادی)، اما اثر ساختاری کل دو متغیر هوش اجتماعی و حساسیت بین فردی بر تنهایی اجتماعی (تجمع اثرات این دو متغیر با اثر خود انتقادی بر تنهایی اجتماعی) معنادار است. از آنجا که دو متغیر هوش اجتماعی و حساسیت بین فردی بر متغیر خود انتقادی نیز اثر معناداری داشته و منجر به اثرات غیر مستقیم و اثرات کل معناداری بر تنهایی اجتماعی شده است، باید عنوان کرد که اثر معنادار هوش اجتماعی و حساسیت بین فردی بر متغیر خود انتقادی با پژوهش‌های نزدیکی (تقریباً مشابهی) همچون ردینگ^۱ (۲۰۰۱) که نشان داد افراد دارای هوش هیجانی دارای انتقادگری بیشتری هستند، همسو بود. همچنین با پژوهش مشابهی که توسط مداخانی و نیکو گفتار (۲۰۱۵) انجام شده است نیز همسو بود. در تبیین نتیجه به دست آمده مبنی بر آنکه هوش اجتماعی اثر منفی و معناداری بر خود انتقادی دارد، می‌توان مجدد به نظر بورکویست (۲۰۱۶) اشاره کرد، وی بیان می‌کند هوش اجتماعی برای فرد توانایی انجام درست وظایف و خردمندانه رفتار کردن را فراهم می‌آورد که با ارتباط مثبت و قدردانی دیگران از فرد همراه است، همچنین وی بیان می‌کند که هوش اجتماعی با احساس مهارت و شایستگی ارتباط دارد، که باعث تداوم و اعتماد به نفس در رابطه اجتماعی می‌شود. از سوی دیگر افراد خود انتقادگر، به ارزیابی نامطلوب خود در مقابل دیگران می‌پردازند، خودشان را در مقایسه با دیگران ناکارآمد می‌دانستند و به خود و ویژگی‌های خود انتقاد وارد می‌کردند و از خود ناراضی هستند (تامپسون و زوراف، ۲۰۰۴). گیلبر، کالرک، همپل، مایلز و آبرونز (۲۰۰۴) نیز بیان کرده‌اند افراد خود انتقادگر احساس ناامیدی، احساس حقارت و بی‌کفایتی دارند. ملاحظه می‌شود که ویژگی‌های افراد دارای هوش اجتماعی کاملاً در تضاد با خود انتقادگری است، بنابراین تاثیر منفی و معنادار هوش اجتماعی بر خود انتقادی قابل تبیین است، که دین وسیله نیز اثر غیر مستقیم و اثر کل معناداری بر تنهایی اجتماعی نیز گذاشته است.

1. Redding

همچنین نتایج نشان داد که حساسیت بین فردی نیز بر متغیر خود انتقادی اثر مثبت و معناداری دارد که به نوبه خود بر تنهایی اجتماعی نیز اثر کل معناداری می‌گذاشتند. این نتیجه با نتایج پژوهش‌های مک کاب^۱، بلانکستین^۲ و میلز^۳ (۱۹۹۹) که نشان داده‌اند حساسیت بین فردی با اعتماد به نفس پایین (که از مولفه‌های مهم خود انتقادی است) در دانش آموزان رابطه دارد، همسو بود. همچنین با یافته‌های مندل^۴، دانکلی^۵ و استارز^۶ (۲۰۱۸) که در مطالعه طولی ۴ ساله نشان دادند حساسیت‌های بین فردی باعث خود انتقادی می‌شود، همسو بود. همچنین با پژوهش کوچی^۷ (۲۰۱۴) نیز همسو بود. در تبیین این یافته‌ی پژوهش می‌تواند به تبیین نتایج قبلی اشاره نمود که عنوان شد، حساسیت بین فردی تنهایی اجتماعی می‌آورد، تنهایی اجتماعی و مورد بی‌اعتنایی واقع شدن از نظر اجتماعی باعث می‌شود افراد در روابط بین فردی و موقعیت‌های اجتماعی خجالتی بوده و احساس طرد شدگی و تنهایی کنند (آل یاگن^۸ و میکولینسر^۹، ۲۰۰۲) به همین خاطر ممکن است خود درونی شکننده تری داشته باشند. همچنین ممکن است در اظهار نظر کردن در مورد دیگران، ارزیابی گفتگوهای دیگران یا ارئه یا پذیرفتن انتقاد و پیشنهاد، تدبیر و درایت اجتماعی لازم را نداشته و مهارت‌های مقاومت در برابر فشارهای منفی همسالان را نداشته باشند و در نتیجه آن، انتقادهای بیشتری از رفتاری یا توانمندی‌های اجتماعی و شخصی خود داشته باشند (هالاهان^{۱۰} و همکاران، ۲۰۰۵).

با توجه به نتایج به دست آمده در این پژوهش، می‌توان از بازتوانی (رشد و افزایش مجدد) و حمایت از هوش اجتماعی از طریق آموزش‌های فردی، گروهی، کارگاهی و غیره، و نیز با کاستن از حساسیت‌های بین فردی و متغیر خود انتقادی، به طرق نام برده برای کاهش تنهایی اجتماعی بهره برد. در این پژوهش محدودیت‌هایی وجود داشت، از جمله آنکه شیوه نمونه‌گیری و تعداد نمونه احتمالاً به میزان کمتری معرف جامعه دانشجویان کلان شهر تهران بود. همچنین استفاده از ابزارهای خود گزارشی، مخصوصاً برای سازه‌های منفی همچون تنهایی اجتماعی، احتمال سو گیری در پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش را بالا می‌برد. همچنین متغیر تنهایی اجتماعی خود می‌تواند معلول علت‌های دیگری نیز باشد، از جمله افسردگی، که در این پژوهش بررسی نشد. با توجه به محدودیت‌ها و ضعف‌های پژوهش، پیشنهاد می‌شود، در پژوهش‌های آتی از روش‌های

1. McCabe
2. Blankstein
3. Mills
4. Mandel
5. Dunkley
6. Starrs
7. Koichi
8. Al-Yagon
9. Mikulincer
10. Hallahan

نمونه‌گیری همچون نمونه‌گیری طبقه‌های نسبی و شیوه‌گزینش تصادفی، استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود از متغیرهای دیگری همچون افسرگی نیز در مدل‌های پژوهشی بهره گرفته شود.

منابع

- شفیعی، تیمور؛ خداپناهی، محمدکاظم و صدق پور، صادق (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و ۵ فاکتور شخصیتی در دانش آموزان. مجله رفتار اجتماعی، دوره ۲، شماره ۲، ص ۸۲-۱۷۳.
- نریمانی، محمد؛ پرزور، پرویز؛ بشرپور، سجاد. (۱۳۹۴). مقایسه حساسیت بین فردی و تعادل عاطفی در دانش آموزان با و بدون اختلال یادگیری خاص، دوره ۵، شماره ۱، ص ۱۲۵-۱۴۱.
- موسوی، اشرف السادات و قربانی، نیما. (۱۳۸۵). خودشناسی، خود انتقادی و سلامت روان. مجله‌ی مطالعات روانشناختی، دوره ۳، شماره ۲، ص ۷۵-۹۱.
- Al-Saree, II, A & Alshurman, WM. (2015). Emotional intelligence and its relationship with psychological loneliness among parents of children with autism. *European Scientific Journal November edition*, 11, 32, 1857 – 7881.
- Al-Yagon, M., & Mikulincer, M. (2004). Patterns of close relationships and socioemotional and academic adjustment among school-age children with learning disability. *Learning Disabilities Research & Practice*, 19, 12 19.
- Asher, S.R., & Paquette, J.A. (2003). Loneliness and peer relation in childhood. *Current Directions in Psychological Science*, 12 (3), 75-78.
- Bahtiyar Eraslan, C. (2015). Interpersonal Sensitivity and Problematic Facebook Use in Turkish University Students. *Anthropologist*, 21(3), 395-403.
- Besser, A., Flett, G. & Davis, R. (2017). Self-criticism, dependency, silencing the self, and loneliness: A test of a mediational model. *Personality and Individual Differences*, 35(8), 1735-1752.
- Bjorkqvist, K., et al. (2016). Social Intelligence – empathy = aggression??. *Aggression and violent Behavior*, 5, pp. 191-200.
- Blankstein, K. R. & Dunkley, D. M. (2002). *Evaluative concerns, self-critical, and personal standards perfectionism: A structural equation modeling strategy*. In G. L. Flett & P. L. Hewitt (Eds.), *Perfectionism: Theory, research and treatment* (pp. 285-315). Washington, DC: American Psychological Association.
- Cacioppo, JT., Cacioppo, S., Cole, SW., Capitanio, JP., Goossens, L. & Boomsma, DI. (2015). Loneliness across phylogeny and a call for comparative studies and animal models. *Perspect Psychol Sci*, 10, 202–212.
- Dong, O. Koper, R.G. & Collaço, C.M., (2008). Social Intelligence, Self-esteem, and Intercultural Communication Sensitivity. *Intercultural Communication Studies*, XVII (2), P. 162-165.

- Fatos, S & Tayfun, D. (2013). Social Intelligence as a Predictor of Loneliness in the Workplace. *The Spanish Journal of Psychology*, 16 (36), 1-6.
- Forsythe, V. A., (2014). *Choosing emotion regulation strategies: the effects of interpersonal cues and symptoms of Borderline Personality Disorder*. The Ohio State University.
- Gilbert, P. Clarke, M. Hempel, S. Miles, J. N. V. & Irons, C. (2004). Criticizing and reassuring oneself: an exploration of forms, styles and reasons in female students. *British Journal of Clinical Psychology*, 43, 31–50.
- Hallahan, D. P., Lloyd, J. W., Kauffman, J. M., Weiss, M. P., & Martinez, E. A. (2005). *Learning disabilities: Foundations, characteristics, and effective teaching*. Boston: Allyn & Bacon.
- Hawkley, L.C., Burleson, M.H., Berntson, G.G., & Cacioppo, J.T. (2003). Loneliness in everyday life: Cardiovascular activity, psychosocial context, and health behaviors. *Journal of Personality and Social Psychology*, 85, 105-120.
- Heinrich, M.L., & Gullone, E. (2006). The clinical significance of loneliness: A literature review. *Clinical Psychology Review*, 26, 695–718.
- Hewit, P. L. Flett, G. L. (2002). *Perfectionism and stress processes in psychopathology*. In: Flett GL, Hewitt PL, editors. *Perfectionism: theory, research, and treatment*. Washington (DC): American Psychological Association. p. 255 - 84.
- Kanasi E, Ayilavarapu S, Jones J. (2016). The aging population: Demographics and the biology of aging. *Periodontol*, 72(1), 13-8.
- Koichi, O., Akihito, S., Yoshihiko, M., Naoshi, S., Ryoichi., & Masanori, E. (2014). Correlations of interpersonal sensitivity with negative working models of the self and other: evidence for link with attachment insecurity. *Ann Gen Psychiatry*, Published online; 13-5. doi: 10.1186/1744-859X-13-5.
- Layden EA, Cacioppo JT, Cacioppo S, Cappa SF, Dodich A, Falini A, et al. (2017). Perceived social isolation is associated with altered functional connectivity in neural networks associated with tonic alertness and executive control. *NeuroImage*, 145, 58–73.
- Lee, HR., Jeong, EJ, & Lee, SL. (2018). The Effects of Game Players' Social Intelligence on Social Support and Psychosocial Problem Factors in a 2-Wave Longitudinal Study. *Hawaii International Conference on System Sciences*, 51, 1913-1921.
- Madadkhani, Z. & Nikoogoftar, M. (2015). Critical Thinking in Nurses: Predictive Role of Emotional Intelligence. *Hayat*, 20 (4), 77-88.
- Mandel, T., Dunkley, D., & Starrs, CJ. (2018). Self-Critical Perfectionism, Daily Interpersonal Sensitivity, and Stress Generation: A Four-Year Longitudinal Study. *Journal of Psychopathology and Behavioral Assessment*, 40, 701-713.
- McCabe, R. E., Blankstein, K. R., & Mills, J. S. (1999). Interpersonal sensitivity and social problem-solving: Relations with academic and social

- self-esteem, depressive symptoms, and academic performance. *Cognitive Therapy and Research*, 23, 587–604.
- Mongrain, M., & Leather, F. (2006). Immature dependence and self-criticism predict the recurrence of major depression. *J Clin Psychol*, 62, 705-13.
 - Narchal, R. & McDavitt, S. (2017). Loneliness and Anxiety Sensitivity: Understanding Behavioral Avoidance in the Lonely. *Acta Psychopathological*, 3 (6), 85-98.
 - Page, R. M. (1990). Loneliness and adolescent health behavior. *Health Education*, 21(5), 14-17.
 - Qualter, P., Brown, S.L., Rotenberg, K.J., Vanhalst, J., Harris, R.A., Goossens, L., Bangee, M., Munn, P. (2013). Trajectories of loneliness during childhood and adolescence: predictors and health outcomes. *Journal of Adolescence*, 15, 1-11.
 - Redding, DA. (2001). Critical Thinking Disposition as it Relates to Academic Achievement In baccalaureate Nursing Education. *Nurse Educator*, 26(3), 125-7.
 - Renwick A, Vosvick M, Chng C, Smith N. (2008). *Loneliness in college students: coping, insensitivity received, and self-esteem*. APA. Abstract.
 - Safarinia M. (2012). Social psychology and personality tests. Tehran: Arjmand, 86-93.
 - Saffarinia M, Tadriz Tabrizi M, Mohtashami T, Hassanzadeh P. (2015). The effect of prosocial personality and narcissism on social wellbeing of the residents in Tehran city. *Knowledge Res Appl Psychol* ; 15(57): 36-45.
 - Saricam, H., Gencdogan, B & Erozkhan, A. (2012). The Examination of the Relationship between the University Students' Rejection Sensitives, Self Esteem and Loneliness Levels. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 2716 – 2720.
 - Silvera D. H., Martinussen M., & Dahl T. I. (2001). Tromso Social Intelligence Scale, a self-report measure of social intelligence. *Scandinavian Journal of Psychology*, 42, 313-319.
 - Thompson, R. & Zuroff, D. C. (2004). The Levels of Self-Criticism Scale: Comparative self-criticism and internalized self-criticism. *Personality and Individual Differences*, 36(2), 419-430.
 - Vanhalst, J., Klimastr, T.A., Luyckx, K., Scholte, R.H.J., Engels, R.C.M.E., & Goossens, L. (2012). The interplay of loneliness and depressive symptoms across adolescence: exploring the role of personality traits. *Journal of Youth and Adolescence*, 41, 776-787.
 - Wendi L. Gardner, Cynthia L. Pickett, Valerie Jefferies. (2005). On the Outside Looking In: Loneliness and Social Monitoring. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31, 1549-1560.
 - Wong, NM, Liu, HL, Lin, C., Huang, CM, Wai, YY, Lee, SH, & et al. (2016). Loneliness in late-life depression: structural and functional connectivity during affective processing. *Psychol Med*, 46 (12), 2485-99.
 - Wright, S.L. (2005). *Loneliness in the workplace*. Unpublished Doctoral Dissertation, University of Canterbury.

- Zhou, X. (2018). A Review of Researches Workplace Loneliness. *Psychology*, 9, 1005-1022.
- Zuroff, D. C. Santor, D. A. & Mongrain, M. (2005). Dependency, self-criticism, and maladjustment. In J. S. Auerbach, K. J. Levy, and C. E. Schaffer (Eds.), *Relatedness, Self-definition and mental representation: Essays in honor of Sidney J. Blatt.* (pp 75-90). London: Brunner Routledge.
- ilvera D. H., Martinussen M., & Dahl T. I. (2001). The